

پژوهشنامه حج و زیارت  
سال اول، شماره دوم  
پاییز و زمستان ۱۳۹۵  
صفحات ۳۹-۷

## بررسی فقهی مکان نماز در کنار قبور معصومین علیهم السلام

رضا اندلیبی \*

### چکیده

حرم های مطهر معصومین علیهم السلام، از صدر اسلام تاکنون، مورد استقبال مسلمانان بوده است. در فقه امامیه، اقامه نماز در اطراف ضریح های مطهر حضرات معصومین علیهم السلام دارای احکام خاصی است و در برخی از حالات، حکم آن، هم از جهت وضعی (صحت یا بطلان) و هم از جهت تکلیفی (حرمت یا جواز) مورد اختلاف فقها قرار گرفته است. علت این اختلاف فتوا، اختلاف برداشت فقها از روایات است که با دقت در مضمون مهم ترین این روایات (صحیح حمیری)، مشخص می شود که اقامه نماز، پشت به قبور معصومین علیهم السلام، فی الجمله حرام است، ولی باطل نیست و نماز در طرفین قبور ایشان - نه از جهت تکلیفی و نه از جهت وضعی - اشکالی ندارد و حرمت و بطلان نماز رو به قبور معصومین علیهم السلام نیز قابل اثبات نیست؛ هر چند بهتر است با توجه به روایات، نماز گزار رو به قبر نایستد. بلکه در سمت راست یا چپ آن قرار گیرد تا توهم غلو و پرستش قبر پیش نیاید. به هر حال اقامه نماز در بالای سر، افضل است.

کلیدواژه: مکان نماز، قبر معصوم، حکم تکلیفی، حکم وضعی.

\* مدیر گروه فقه و حقوق پژوهشکده حج و زیارت. (r.andalibi@hzrc.ac.ir)

## مقدمه

حرم معصومین علیهم السلام، که یکی از مهم‌ترین اماکن مقدس است، همواره مورد استقبال بسیاری از مسلمانان بوده و دارای احکام خاصی، از قبیل حکم نماز مسافر در حرم نبوی و حرم حسینی است؛ اما اقامه نماز در کنار ضریح‌های مطهر تمامی معصومین علیهم السلام در فقه امامیه احکام ویژه‌ای دارد. هر چند این مسئله، مورد توجه شیعیان صدر اسلام بوده و حکم آن از ائمه علیهم السلام سؤال شده، (شیخ صدوق، ۱۳۸۵ ش، ج ۲، ص ۳۵۸؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۵، ص ۱۶۲ و ج ۱۴، ص ۵۱۹ و ۵۲۰) اما بحث چالشی آن به دو قرن پیش برمی‌گردد؛ زمانی که شیخ احمد احسائی (۱۱۱۶-۱۲۴۱ ه.ق.) فرقه شیخیه را میان شیعه تأسیس کرد. این فرقه ساختگی، در برخی از اصول و فروع، با مکتب رسمی شیعه اختلافاتی دارد که یکی از این اختلافات، نحوه نماز خواندن در مزار ائمه علیهم السلام است. شیخیه معتقدند هنگام نماز در حرم معصومین علیهم السلام باید طوری ایستاد که قبر شریف، میان نمازگزار و قبله واقع شود. اما مخالفان ایشان معتقدند شیخیه، درباره مقام ائمه علیهم السلام، راه غلو پیموده‌اند و برای آنها مقام خدایی قائل شده‌اند.

شیخیه، شیعیان مخالف خود را «بالاسریه» و خویش را «پشت‌سریه» می‌خوانند. بالاسری‌ها عمداً هنگام نماز، برخلاف پشت‌سری‌ها (شیخیه) بالای سر مرقد، رو به قبله می‌ایستادند. (مشکور، ۱۳۷۲ ش، ج ۱، ص ۲۶۶ - ۲۶۹) البته نظرات شیعیان، در زمینه نماز کنار قبور معصومین علیهم السلام، مختلف است که به تفصیل خواهد آمد.

علاوه بر این، وهابیت از روی اهانت و تهمت بر مذهب شیعه، شیعیان را «قبریه» می‌خوانند و می‌گویند: «شیعیان در زیارتگاه‌ها رو به قبرها نماز خوانده و آنها را می‌پرستند»؛ (قفاری، ۱۴۱۸ ق، ج ۱، ص ۴۷۴) برای روشن شدن حقیقت و دفع این تهمت‌ها شایسته است این مسئله به طور مفصل بررسی گردد.

این مسئله مورد توجه فقهای عظام، به ویژه متأخرین، قرار گرفته است.

صاحب عروه، هفتمین شرط از شرایط مکان نمازگزار را، در صورت عدم وجود حائل بین نمازگزار و امام عليه السلام، این می‌داند که بنا بر احتیاط، نباید محاذی با قبر معصوم یا جلوتر از آن بایستد. (سید یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۳۸۴) فقهای بزرگوار نیز در حاشیه بر عروه، فتاوی خود را در این زمینه مطرح کرده‌اند. (سید یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۳۸۴؛ همو، ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص ۴۸۵؛ همو، بی تا، ج ۱، ص ۴۱۹)

نماز خواندن در اطراف قبور مطهر معصومین عليهم السلام از سه حال خارج نیست: یا نمازگزار بر قبر مقدم می‌شود یا در یکی از طرفین قبر، نماز می‌خواند یا قبر را روبه‌روی خود، و در جهت قبله قرار می‌دهد. همچنین حکم وضعی (صحت یا بطلان) این نماز با حکم تکلیفی آن (حرمت یا جواز) متفاوت است. بنابراین باید این مسئله در سه محور جداگانه «تقدم، تساوی و تأخر»، ضمن دو بحث «حکم تکلیفی و حکم وضعی» بررسی گردد. گفتنی است اصل اولی و عام فوقانی مسئله، عدم حرمت تکلیفی و صحت وضعی است؛ زیرا اطلاق روایت نبوی مشهور که می‌گوید: «جُعِلَتْ لِي الْأَرْضُ مَسْجِدًا وَ طَهُورًا» (شیخ صدوق، ۱۳۷۶ش، ص ۲۱۶؛ همو، ۱۳۶۲ش، ج ۱، ص ۲۹۲؛ شیخ طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۴۸۴؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۳۵۰ و ۳۵۱ و ج ۵، ص ۱۱۷) و امثال آن، بر جواز و صحت نماز در هر مکانی دلالت دارد؛ مگر اماکنی که بر حرمت یا بطلان نماز در آن اماکن به دلیل خاص اقامه شود. اصل عملی نیز اجمالاً براءت است که تفصیل آن خواهد آمد.

### ۱. حکم تقدم بر قبر معصوم عليه السلام در نماز

مقصود از تقدم بر قبور معصومین عليهم السلام، در این محور، نماز جلوتر از قبر ایشان است؛ به گونه‌ای که یا نمازگزار پشت به قبر ایشان باشد یا در یکی از دو طرف قبر شریف بایستد، ولی جلوتر از قبر قرار گیرد.

## الف) بحث تکلیفی (حرمت)

### اقوال فقها

واضح است که بحث ما فارغ از صدق هتک حرمت است؛ چراکه در حرمت تکلیفی بی‌احترامی به معصومین علیهم السلام تردیدی نیست. بنابر نظر مشهور فقها (ر.ک: محقق بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۷، ص ۲۱۹) تقدم بر قبر معصوم علیهم السلام در نماز کراهت دارد. هر چند نظر تعداد اندکی از قداما (علامه حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۳۱۹؛ شهید اول، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۲۳) به دست ما رسیده، ولی از آنجا که اگر مخالفی در این نظر وجود داشت، همین عده اندک به نظریه مخالف اشاره می‌کردند، مشخص می‌شود نظر مشهور فقها کراهت است و اولین کسی که قائل به حرمت شده، شیخ بهایی (همو، ۱۳۹۰ق، ص ۱۵۹) است که عده‌ای از متأخرین نیز از او تبعیت کرده‌اند. (علامه مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۴، ص ۲۴۰؛ محقق بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۷، ص ۲۲۳)

اما برخی دیگر (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۸، ص ۳۶۳؛ محقق همدانی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۱، ص ۱۳۷) با بررسی تفصیلی این فرع فقهی، نظریه کراهت را برگزیده‌اند. برخی (محقق اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۱۴۰) نیز تنها در صورتی که نمازگزار پشت به قبر (نه طرفین) باشد، قول کراهت را برگزیده‌اند.

مشهور معاصرین نیز با نظریه مشهور موافقت کرده‌اند؛ زیرا ایشان تنها در صورتی که اقامه نماز جلوتر از قبر معصومین علیهم السلام مستلزم هتک حرمت و بی‌احترامی به ایشان به شمار آید، حکم به حرمت داده و در غیر این صورت، آن را مکروه دانسته‌اند. این فقها صدق هتک حرمت را منوط به نظر عرف دانسته‌اند. (محقق داماد، ۱۴۰۱ق، ج ۳، ص ۹؛ امام خمینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۴۹؛ همو، ۱۴۲۶ق، ص ۱۹۷؛ خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۱۴۳؛ همو، بی‌تا، ص ۱۵۱) حضرت امام خمینی علیه السلام چنین می‌نویسد: «انسان باید رعایت ادب را بکند و جلوتر از قبر پیغمبر و امام علیهم السلام نماز نخواند و چنانچه نماز خواندن بی‌احترامی باشد، حرام است. ولی نماز باطل نیست.»

(همو، ۱۴۲۶ق، ص ۱۹۷)

آیت الله سیستانی نیز همین نظریه را، تنها در صورتی که نماز گزار پشت به قبر امام علیه السلام باشد، پذیرفته است. (همو، بی تا، ص ۸۵) البته برخی از معاصرین (گلیایگانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۱۳۷؛ همو، ۱۳۷۱ش، ص ۱۵۷؛ صافی، ۱۴۱۵ق، ص ۱۸۴؛ وحید خراسانی، ۱۴۲۸ق، ص ۱۷۹) این عمل را، در صورت عدم هتک حرمت نیز، بنابر احتیاط واجب، حرام می دانند.

بنابراین در این مسئله، مشهور فقهای امامیه حکم به حرمت نکرده و معتقدند خواندن نماز، جلوتر از قبور مطهر معصومین علیهم السلام، فی نفسه کراهت دارد و تنها در صورتی که مستلزم هتک حرمت باشد، از باب حرمت بی احترامی به ایشان، حرام است.

### ادله فقها

اختلاف نظر فقها در مسئله برگرفته از روایات متعدد نیست، بلکه تنها چند روایت قریب المضمون داریم که برداشت فقها از آنها متفاوت است. مهم ترین مستند قائلین به حرمت، توفیق حمیری منقول در تهذیب است:

مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْحَمِيرِيُّ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى الْفَقِيهِ علیه السلام أَسْأَلُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَزُورُ قُبُورَ الْأَئِمَّةِ علیهم السلام هَلْ يَجُوزُ لَهُ أَنْ يَسْجُدَ عَلَى الْقَبْرِ أَمْ لَا وَهَلْ يَجُوزُ لِمَنْ صَلَّى عِنْدَ قُبُورِهِمْ أَنْ يَقُومَ وَرَاءَ الْقَبْرِ وَيَجْعَلَ الْقَبْرَ قِبْلَةً وَيَقُومَ عِنْدَ رَأْسِهِ وَرِجْلَيْهِ وَهَلْ يَجُوزُ أَنْ يَتَقَدَّمَ الْقَبْرَ وَيُصَلِّيَ وَيَجْعَلَهُ خَلْفَهُ أَمْ لَا فَأَجَابَ علیه السلام وَقَرَأْتُ التَّوْفِيقَ وَمِنْهُ نَسَخْتُ أَمَّا السُّجُودُ عَلَى الْقَبْرِ فَلَا يَجُوزُ فِي نَافِلَةٍ وَلَا فَرِيضَةٍ وَلَا زِيَارَةٍ بَلْ يَضَعُ خَدَّهُ الْأَيْمَنَ عَلَى الْقَبْرِ وَ أَمَّا الصَّلَاةُ فَإِنَّهَا خَلْفَهُ يَجْعَلُهُ الْأَمَامَ وَلَا يَجُوزُ أَنْ يُصَلِّيَ بَيْنَ يَدَيْهِ لِأَنَّ الْإِمَامَ لَا يُتَقَدَّمُ وَيُصَلِّي عَنْ يَمِينِهِ وَشَاهِدَهُ<sup>۱</sup> (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۲۸؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۱۶۰)

این مضمون در روایتی ضعیف السند در کامل الزیارات (ابن قولویه، ۱۳۹۸ق،

ص ۱۲۳ و ۱۲۸؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۱۶۲) نیز آمده است.

### بررسی سند توقیع حمیری

با توجه به وثاقت همه روایات واقع در سند توقیع حمیری، برخلاف تصور برخی، (فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۳۰۲) تردیدی در صحت سند توقیع نیست (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۸، ص ۳۶۵؛ محقق همدانی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۱، ص ۱۳۶) البته در مورد کسی که روایت از او صادر شده (فقیه) اختلاف است که با توجه به قرائنی می توان اثبات کرد که مقصود از فقیه، حضرت بقیة الله الاعظم عَلَيْهِ السَّلَامُ است. تفصیل این بحث، ضمن بررسی متن روایت، خواهد آمد.

### بررسی متن روایت

برخی روایت را مضطرب می دانند؛ (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۸، ص ۳۶۵) زیرا روایتی که مرحوم شیخ نقل کرده، با نقل مرحوم طبرسی تفاوت هایی دارد. البته واضح است که مرحوم طبرسی، که در اواخر قرن ششم هجری می زیسته، این روایت را بدون سند از حمیری نقل کرده است. بنابراین روایت ایشان، از نظر سندی، به خاطر ارسال، اعتباری ندارد و نمی تواند دلیل بر اضطراب روایت باشد. به هر حال، متن روایت این چنین است:

وَفِي كِتَابِ آخَرَ لِمُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحَمِيرِيِّ إِلَى صَاحِبِ الزَّمَانِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ... وَكَتَبَ إِلَيْهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَيْضًا فِي سَنَةِ ثَمَانٍ وَثَلَاثِينَ كِتَابًا سَأَلَهُ فِيهِ عَنْ مَسَائِلَ أُخْرَى: ... وَهَلْ يُجُوزُ أَنْ يَتَقَدَّمَ الْقَبْرَ وَيُصَلِّيَ وَيَجْعَلَ الْقَبْرَ خَلْفَهُ أَمْ لَا؟ فَأَجَابَ ... وَأَمَّا الصَّلَاةُ فَإِنَّمَا خَلْفَهُ وَيَجْعَلُ الْقَبْرَ أَمَامَهُ وَلَا يُجُوزُ أَنْ يُصَلِّيَ بَيْنَ يَدَيْهِ وَلَا عَنْ يَمِينِهِ وَلَا عَنْ يَسَارِهِ لِأَنَّ الْإِمَامَ لَا يَتَقَدَّمُ وَلَا يُسَاوِي.<sup>۲</sup> (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۴۹۰؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۱۶۱)

در نقل شیخ طوسی از عنوان «فقیه» برای مروی عنه استفاده شده، ولی در نقل طبرسی، روایت از امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل شده است. در نقل شیخ طوسی چنین آمده

است: «أَمَّا الصَّلَاةُ فَإِنَّهَا خَلْفُهُ يَجْعَلُهُ الْأَمَامَ وَلَا يَجُوزُ أَنْ يُصَلِّيَ بَيْنَ يَدَيْهِ لِأَنَّ الْإِمَامَ لَا يُتَقَدَّمُ وَيُصَلِّي عَنْ يَمِينِهِ وَشِأْلِهِ» و در نقل طبرسی آمده است: «وَأَمَّا الصَّلَاةُ فَإِنَّهَا خَلْفَهُ وَيَجْعَلُ الْقَبْرَ أَمَامَهُ وَلَا يَجُوزُ أَنْ يُصَلِّيَ بَيْنَ يَدَيْهِ وَلَا عَنْ يَمِينِهِ وَلَا عَنْ يَسَارِهِ لِأَنَّ الْإِمَامَ لَا يُتَقَدَّمُ وَلَا يُسَاوِي» که روایت اول، مساوات و محاذات با امام عَلَيْهِ السَّلَام در نماز را جایز، و روایت دوم، آن را ممنوع می‌داند.

با توجه به این تفاوت‌ها، برخی این دو نقل را دو روایت جداگانه می‌دانند. (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۸، ص ۳۶۵؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۱۶۱) اما برخی دیگر بر این باورند که هر چند روایت واحد است، اما از آنجا که خود این توقیع از «فقیه» صادر شده و فقیه، در اصطلاح روات، به امام موسی کاظم عَلَيْهِ السَّلَام اطلاق می‌شود و حمیری در زمان ایشان نمی‌زیسته، مروی عنه برای ما مجمل، و روایت غیر قابل استناد است. (محقق همدانی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۱، ص ۱۳۶)

واضح است که اصطلاح «فقیه» مختص به امام موسی کاظم عَلَيْهِ السَّلَام نیست و در روایات، در مورد امام هادی عَلَيْهِ السَّلَام نیز استفاده شده است. (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۳۰۳؛ شیخ طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۴۵۸) افزون بر این، این روایت محفوظ به قرائنی است که با توجه به آنها، می‌توان به صدور آن، در مرحله اول از امام معصوم عَلَيْهِ السَّلَام، و در مرحله بعد از امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام اطمینان پیدا کرد؛ زیرا:

- اولاً حمیری و معاصرینش، در روایات متعددی، از «فقیه» نقل روایت کرده‌اند (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۱۵ و ج ۶، ص ۷۵ - ۷۶ و ۲۲۵ و ج ۷، ص ۱۴۶ و ۲۲۲ و ج ۹، ص ۲۴۴) و بعید است در همه این موارد، مقصود فقیه غیر معصوم باشد و روات و مصنفان این نقل قول‌هایی را که از معصوم عَلَيْهِ السَّلَام نیست، در کتب روایی نقل کرده باشند. علاوه بر این، روات و صاحبان کتب روایی، این توقیع را در کتب روایی خود، به عنوان روایت نقل کرده‌اند. پس قطعاً مقصود از کلمه «فقیه»، امام معصوم عَلَيْهِ السَّلَام است؛ و گرنه معنا ندارد شخصی مثل حمیری، که به قرائت و استنساخ

روایات اهل بیت علیهم السلام اهمیت می داده است، سؤال و جواب از یک فقیه عادی را برای دیگران نقل کند. (محقق داماد، ۱۴۰۱ق، ج ۳، ص ۷) و صاحبان اصول حدیثی نیز آن را در کتاب‌های خود، که برای نقل روایات معصومین علیهم السلام تدوین شده، ذکر کنند.

- ثانیاً حمیری دارای توقیعات متعددی از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیوم است. (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۳۵۵، رقم ۹۴۹) علاوه بر این، روایت طبرسی، که از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیوم صادر شده، هر چند به دلیل ضعف سندی و ارسال، حجیتی ندارد، ولی می تواند به عنوان مؤید استفاده شود و طبق همین نقل مرسل، توقیع در سال ۳۰۸ هـ.ق، که دوران غیبت صغرای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیوم است، صادر شده است. با توجه به مجموع این قرائن می توان اطمینان پیدا کرد که این توقیع شریف، از طرف امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیوم صادر شده است و روایت، از نظر متن نیز مشکلی ندارد.

### بررسی دلالت روایت

فقره مورد استدلال از توقیع شریف، این فقره است: «أَمَّا الصَّلَاةُ فَإِنَّهَا خَلْفَهُ يَجْعَلُهُ الْأَمَامَ وَلَا يَجُوزُ أَنْ يُصَلِّيَ بَيْنَ يَدَيْهِ لِأَنَّ الْإِمَامَ لَا يَتَقَدَّمُ وَيُصَلِّي عَنْ يَمِينِهِ وَشِمَالِهِ». در مورد عبارت «يجعله الامام» دو احتمال وجود دارد: «امام به معنای روبه‌رو و امام به معنای امام جماعت؛ به خاطر ترتب برخی از آثار آن، یعنی عدم جواز تقدم بر امام». ۳ برخی (محقق داماد، ۱۴۰۱ق، ج ۳، ص ۸) با اذعان به تبادل احتمال اول، آن را بعید شمرده‌اند؛ زیرا لازمه‌اش تکرار است؛ چون «فإنها خلفه» همین معنای «يجعله الامام» را می‌رساند. اما به نظر می‌رسد به صرف لزوم تکرار در عبارت، نمی‌توان از متبادر عبارت دست کشید؛ زیرا تأکیدی بودن این جمله نیز محتمل است. علاوه بر اینکه احتمال دوم، مبعّدات بیشتری نسبت به احتمال اول دارد؛ زیرا:

- اولاً طبق این نقل، نماز در محاذات امام جایز دانسته شده (وَيُصَلِّي عَنْ يَمِينِهِ وَ شِمَالِهِ) و حال آنکه اگر مقصود، امام جماعت باشد، نماز در سمت راست و چپ



امام جماعت جایز نیست و باید پشت سر او باشد. البته با تسامح عرفی، به کسی که کمی عقب‌تر از امام جماعت بایستد، می‌گویند سمت چپ یا راست امام ایستاده است؛

- ثانیاً این برداشت با تعلیل «لأن الإمام لا يتقدم» سازگاری ندارد؛ چون قطعاً مراد از امام در تعلیل، (لأن الإمام لا يتقدم) امام معصوم است و معنا ندارد بگوییم: چون نمی‌توان بر امام معصوم مقدم شد، قبر امام را به منزله امام جماعت قرار بده و جلوتر از آن نماز نخوان! (محقق همدانی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۱، ص ۱۳۵)؛

- ثالثاً عبارت موجود در نسخه طبرسی (يَجْعَلُ الْقَبْرَ أَمَامَهُ) نیز مؤید احتمال اول و مبعّد این احتمال است؛ چون معنا ندارد قبر به منزله امام جماعت باشد.

بنابراین مراد از امام در عبارت «يجعله الامام» نمی‌تواند امام جماعت باشد، بلکه مقصود آن است که قبر را امام (روبه‌روی) خود قرار دهد. البته برخی (روحانی، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۲۵۷) به اشتباه مراد از امام در این عبارت «يجعله الامام» را امام معصوم عليه السلام دانسته‌اند؛ چون به این احتمال که کلمه مورد نظر، امام (روبه‌رو) باشد، توجه نداشته‌اند و بین دو احتمال امام جماعت و امام معصوم، احتمال دوم را پذیرفته‌اند. ولی با توجه به اینکه وقتی راوی از امام عليه السلام پرسیده است حکم نماز کنار قبر امام معصوم چیست، معنا ندارد حضرت پاسخ دهد: امام عليه السلام یا قبر امام عليه السلام را امام معصوم خود قرار بده! خطای این تصور روشن می‌شود. به هر حال در این فقره، تقدم بر قبر امام عليه السلام در نماز، با عبارت «لا يجوز»، که نص در حرمت است، ممنوع دانسته شده و علت آن نیز با عبارت «لأن الإمام لا يتقدم»، حرمت تقدم بر امام معصوم عليه السلام بیان شده است. بنابراین با توجه به این روایت صحیح‌السند، خواندن نماز جلوتر از قبر معصوم عليه السلام حرام تکلیفی است.

### اشکالات

اشکال اول: این روایت، در مقام بیان حکم وضعی، بطلان است و نمی‌توان

از آن حکم تکلیفی حرمت را هم استفاده کرد؛ زیرا در جای خود ثابت شده که حکمی که به مرکب از اجزاء و شرایط تعلق می‌گیرد، ارشاد به جزئیت و شرطیت یا مانعیت دارد. حال که حکم وضعی است و از سوی دیگر، تلازمی بین حکم وضعی و تکلیفی نیست، نمی‌توان برای اثبات حکم تکلیفی حرمت، به این روایت تمسک کرد. عدم تلازم نیز روشن است؛ برای مثال، هرچند بودن اجزاء حیوانات حرام‌گوشت، در لباس نمازگزار، باعث بطلان نماز (حکم وضعی) است، ولی قطعاً حرمتی (حکم تکلیفی) ندارد.

### پاسخ

با توجه به اینکه «العله تعمم و تخصص»، تعلیلی که در این روایت آمده «لِأَنَّ الْإِمَامَ لَا يُتَقَدَّمُ» نیز ظهور در تعمیم یا تخصیص دارد؛ چون وقتی حکم به امری خارج از متعلق حکم (نماز) معلل می‌شود، دیگر نمی‌توان از آن ارشاد به یک حکم وضعی را استفاده کرد. به این بیان که علت بیان شده (مقدم شدن بر امام معصوم علیه السلام) حرام یا مکروه است مطلقاً قطعاً یک حکم تکلیفی است، پس معنا ندارد مدعای ما اثبات کننده حکم وضعی باشد. (محقق داماد، ۱۴۰۱ق، ج ۳، ص ۹) افزون بر این، در مورد، اصل اینکه احکام تکلیفی از احکام وضعی گرفته شده یا بالعکس یا آنکه هیچ ارتباطی بین احکام وضعی و تکلیفی وجود ندارد، اختلاف است.

اشکال دوم: تعلیل «لِأَنَّ الْإِمَامَ لَا يُتَقَدَّمُ» در آداب و اخلاق ظهور دارد؛ زیرا حرمت فقهی مطلق تقدم مکانی بر معصومین علیهم السلام، در زمان حیات ایشان نیز، ثابت نیست؛ چه برسد به بعد از وفات. (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۸، ص ۳۶۳) علاوه بر این، اگر تعلیل موجود در توقیع، فقهی باشد و اصل تقدم بر معصومین علیهم السلام حرام باشد، در حالت عادی و در غیر نماز نیز باید قائل به حرمت تقدم شد؛ حال آنکه هیچ یک از فقها این عمل را، تا وقتی که از روی استخفاف نباشد، حرام ندانسته‌اند. (محقق همدانی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۱، ص ۱۳۵).

## پاسخ

- اولاً وقتی دلیل خاص بر حرمت این عمل، بعد از وفات داریم، صرف جواز تقدم در زمان حیات، دلیل بر جواز آن بعد از وفات ایشان نیست (محقق داماد، ۱۴۰۱ق، ج ۳، ص ۱۰ و ۱۱).

- ثانیاً برخی این حکم را به مطلق پشت کردن به قبر معصومین علیهم السلام، حتی در غیر نماز نیز، سرایت داده‌اند. (علامه حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۳۱۹؛ شیخ بهایی، ۱۳۹۰ق، ص ۱۵۹؛ علامه مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۴، ص ۲۴۰)

- ثالثاً اخلاقی بودن روایت بر استحسان استوار است. در حالی که فقره «لایجوز» نص در حرمت است و این تعبیر، با آداب و اخلاق، که الزامی نیست، سازگاری ندارد.

اشکال سوم: دقت در تعلیل (لان الإمام لا يتقدم) مانع از انعقاد ظهور روایت در حرمت تقدم مکانی بر قبور معصومین علیهم السلام است؛ زیرا این تعلیل، که امری مسلم فرض شده، برگرفته از آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْدُمُوا يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (حجرات: ۱) است. در این آیه شریفه، مؤمنان از تقدم بر خداوند نیز منع شده‌اند و تقدم مکانی در مورد خداوند معنا ندارد. پس روایت نیز در مورد تقدم مکانی نبوده و مقصود، تبعیت تام از معصومین علیهم السلام است.

## پاسخ

- اولاً اینکه تنها مستند امام علیه السلام در بیان تعلیل آیه شریفه است، ادعایی بی دلیل است؛

- ثانیاً استناد به آیه باعث نمی‌شود مراد از روایت نیز تقدم غیر مکانی باشد؛ زیرا امام علیه السلام از این تعلیل، ممنوعیت تقدم مکانی را استفاده کرده است. پس نمی‌توان در مقابل استناد امام علیه السلام به تعلیل، اجتهاد کرد.

**اشکال چهارم:** مشهور فقها، به ویژه قدما، از این روایت اعراض کرده‌اند؛ به این بیان که یا از ریشه، روایت را کنار گذاشته‌اند یا آن را بر کراهت حمل کرده‌اند (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۸، ص ۳۶۲) اعراض مشهور از یک روایت، نشانگر ضعف سند یا ضعف دلالت آن روایت است؛ زیرا معنا ندارد مشهور، با تمام اختلاف مبنایی که داشته‌اند - با اینکه این روایت در دسترس آنها بوده و دلالت بر حرمت داشته، ولی - هیچ یک از آنان از آن برداشت حرمت نکرده باشند. پس مشخص می‌شود که سند یا دلالت روایت را قبول نداشته‌اند.

### پاسخ

- اولاً با دقت در عبارات ایشان مشخص می‌شود که فقها از روایت اعراض نکرده‌اند، بلکه اجتهاد آنان باعث شده یا در سند خدشه کنند یا از نظر دلالتی، از عبارت آن، کراهت را استفاده کنند و از آنجا که اجتهاد فقها برای دیگران حجت نیست، اگر ما، با دلیل و برهان، ثابت کردیم که روایت از نظر سند مشکلی ندارد و از نظر دلالت نیز ظهور در حرمت دارد، قدما هر برداشتی که داشته باشند، در سیر اجتهادی ما دخالت نخواهد داشت. (محقق داماد، ۱۴۰۱ق، ج ۳، ص ۱۱)

- ثانیاً قدیمی‌ترین نظریه در این مورد تنها از علامه که طبق تمام نظریات جزو قدما نیست به دست ما رسیده (علامه حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۳۱۹) و نظر فقهای قبل از ایشان مشخص نیست. پس نمی‌توان نظریه عدم حرمت را، به طور قطع و یقین، به قدما نسبت داد. بنابراین اصل اعراض مشهور ثابت نیست.

### نتیجه‌گیری

با وجه به تمامیت استدلال بر توفیق حمیری، حرمت تکلیفی تقدم در حال نماز، به طور مطلق ثابت می‌شود؛ یعنی تحقق عنوان هتک یا بی‌احترامی دخیل نیست؛ چه نمازگزار پشت به قبر شریف نماز بخواند و چه در دو طرف قبر شریف باشد. ولی جلوتر از جسد شریف نماز را به جا آورد؛ چه مانع و حائلی بین قبر شریف

و نمازگزار باشد و چه نباشد، حرمت ثابت است. بنابراین ابتدا باید موضوع تقدم روشن شود و پس از آن، در مورد اطلاق یا عدم اطلاق روایت، بحث کرد.

ملاک، در هر دو مورد، ظهور عرفی است. هر چند به نظر می‌رسد موردی که نمازگزار پشت به قبر نیست - بلکه در یکی از دو طرف قبر شریف ایستاده، ولی جلوتر از جسد شریف امام علیه السلام نماز را به جا می‌آورد - مشمول اطلاق روایت است، اما با دقت در متن سؤال «وَهَلْ يُجُوزُ أَنْ يَتَقَدَّمَ الْقَبْرَ وَيُصَلِّيَ وَيَجْعَلَهُ خَلْفَهُ أَمْ لَا» و جوابی که امام علیه السلام فرموده «وَلَا يُجُوزُ أَنْ يُصَلِّيَ بَيْنَ يَدَيْهِ» مشخص می‌شود که هم سؤال و هم جواب، در مورد جلو افتادن از قبر و پشت به قبر کردن است؛ زیرا عبارتهای «يَجْعَلَهُ خَلْفَهُ» و «بَيْنَ يَدَيْهِ» در همین ادعا ظهور دارد. ظهور عرفی از تقدم هم همین مطلب را تأیید می‌کند. شاید به همین علت، برخی از بزرگان (محقق اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۱۴۰؛ سیستانی، بی تا، ص ۸۵) تنها بحث پشت به قبر کردن در نماز را مطرح کرده‌اند. همچنین اگر بین قبر مطهر و نمازگزار حائل و دیواری باشد یا فاصله بسیار زیادی باشد، همان‌طور که اکثر فقها اشاره کرده‌اند، (امام خمینی، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۴۹۴) دیگر عرفاً اصل تقدم صدق نمی‌کند. در مورد موضوع شناسی حائل نیز، برخی از فقها ضریح را مصداق حائل دانسته (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۸، ص ۳۶۳) و بعضی دیگر آن را حائل ندانسته‌اند. (امام خمینی، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۴۹۴) اما به نظر می‌رسد عرف، ضریح را مانع و حائل نمی‌داند و به همین خاطر، نمی‌توان به بهانه اینکه بین قبر و نمازگزار، ضریح فاصله شده، پشت به ضریح مطهر نماز خواند.

در مورد بحث دوم (اطلاق روایت) نیز ظهور عرفی از انعقاد اطلاق گسترده‌ای که در روایت ادعا شد، جلوگیری می‌کند؛ زیرا روایت منصرف به موردی است که تقدم در نماز، بی‌احترامی به شمار بیاید؛ هر چند خود نمازگزار چنین قصدی نداشته باشد. دقت در نظرات و اقوال فقها نیز مؤید همین ادعاست. پس هر چند اطلاق

روایت شامل مواردی که عرف متشرعه آن را بی‌احترامی نمی‌داند، می‌شود، ولی نمی‌توان این اطلاق را پذیرفت و روایت، تنها منصرف به مواردی است که عرفاً بی‌احترامی دانسته می‌شود. (محقق داماد، ۱۴۰۱ق، ج ۳، ص ۹)

بنابراین، هرچند به عقیده عده‌ای، این روایت در مقام بیان آداب زیارت است و تنها از نظر اخلاقی نماز خواندن جلوتر از قبر امام علیه السلام را مکروه می‌داند، اما حق آن است که روایت ظهور در حرمت تکلیفی نماز، در حال تقدم دارد و نماز خواندن پشت به قبر معصومین علیهم السلام را فی‌الجمله و نه مطلقاً حرام می‌داند.

### (ب) بحث وضعی (بطلان)

مقصود از حکم وضعی تقدم بر قبور مطهر معصومین علیهم السلام در حال نماز، این است که آیا یکی از شرایط مکان نماز این است که جلوتر از قبور معصومین علیهم السلام نباشد و نمازی که در حال تقدم اقامه شود، باطل است یا نه؟

#### اقوال فقها

عدم طرح این بحث از سوی قدما، خود دلیل بر این است که آنان تقدم را مبطل نمی‌دانستند؛ (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۸، ص ۳۶۲) و گرنه می‌بایست عدم تقدم بر قبر معصومین علیهم السلام را به عنوان یکی از شرایط مکان نمازگزار برمی‌شمردند.<sup>۴</sup> البته صاحب عروه، ضمن شمارش شرایط مکان نمازگزار، می‌نویسد: «السابع: أن لا یکون مقدماً علی قبر معصوم، ولا مساویاً له مع عدم الحائل المانع الراجع لسوء الأدب علی الأحوط». (سید یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۳۸۴) این فرمایش در بیان حکم وضعی بطلان ظهور دارد. (محقق داماد، ۱۴۰۱ق، ج ۳، ص ۳) فقهای معاصر نیز در مورد حکم وضعی، همچون حکم تکلیفی این نماز، اختلاف نظر دارند. (امام خمینی، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۴۹۴) هرچند بسیاری از فتاوا مجمل است و در آنها به حکم وضعی اشاره نشده، اما به هر حال برای روشن شدن نظریات فقهای معاصر، لازم است ما در دو فرض

هتک حرمت و عدم آن، نظریات ایشان را مطرح کنیم:

در فرضی که تقدم، هتک حرمت به شمار آید، برخی (امام خمینی، ۱۴۲۶ق، ص ۱۹۷؛ اراکی، ۱۳۶۹ش، ص ۱۶۳؛ بهجت، ۱۴۲۸ق، ص ۱۴۷؛ تبریزی، ۱۴۲۶ق، ص ۱۵۴؛ سیستانی، بی تا، ص ۸۵) معتقدند نماز باطل نیست. برخی دیگر (سید یزدی، (فاضل)، بی تا، ج ۱، ص ۴۱۹؛ مکارم، ۱۴۲۹ق، ص ۱۵۶؛ وحید خراسانی، ۱۴۲۸ق، ص ۱۷۹؛ شبیری، ۱۴۳۰ق، ص ۱۹۴) معتقدند نماز باطل است و برخی (نوری، ۱۳۷۷ش، ص ۱۸۷) هم، بنابر احتیاط واجب، نماز را باطل می دانند.

در فرضی هم که تقدم، هتک حرمت به شمار نیاید، بیشتر معاصرین (امام خمینی، ۱۴۲۶ق، ص ۱۹۷؛ تبریزی، ۱۴۲۶ق، ص ۱۵۴؛ بهجت، ۱۴۲۸ق، ص ۱۴۷؛ مکارم، ۱۴۲۹ق، ص ۱۵۶؛ سیستانی، بی تا، ص ۸۵) نماز را باطل نمی دانند. برخی (سید یزدی، (فاضل)، بی تا، ج ۱، ص ۴۱۹؛ شبیری، ۱۴۳۰ق، ص ۱۹۴) معتقدند نماز باطل است. برخی دیگر (سید یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۳۸۴؛ حکیم، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۱۹۸؛ گلپایگانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۱۳۷؛ وحید خراسانی، ۱۴۲۸ق، ص ۱۷۹؛ صافی، ۱۴۱۵ق، ص ۱۸۴) هم بنابر احتیاط واجب، نماز را باطل می دانند.

### ادله فقها

مهم ترین دلیل نظریات پیش گفته، همان توقیع حمیری است. هر چند روایت، تنها حکم تکلیفی را ثابت می کند، اما با توجه به تلازم بین حکم تکلیفی و وضعی، بطلان نیز ثابت می شود یا با اثبات امتناع اجتماع امر و نهی، وقتی حرمت این نماز ثابت شود، دیگر این نماز امری نخواهد داشت و در نتیجه باطل خواهد بود.

اما همان طور که در بحث پیشین گفتیم، با توجه به تعلیل موجود در توقیع، این روایت در مقام بیان حکم تکلیفی است. همچنین ثابت شد که هیچ تلازمی بین حکم تکلیفی و وضعی نیست و یک امر، ممکن است حرام (حکم تکلیفی) باشد، ولی موجب بطلان نماز (حکم وضعی) نشود؛ برای نمونه تصرف در وسایل غصبی

دیگران، در حال نماز، حرام است، ولی باعث بطلان نماز نیست. تأثیر حکم تکلیفی بر حکم وضعی، متوقف بر اتحاد حرام و واجب است، تا با امتناع اجتماع امر و نهی، ثابت نشود چنین نمازی امر ندارد. پس باطل است؛ ولی از آنجا که چنین اتحادی وجود ندارد، سرایت حکم تکلیفی به وضعی نیز معنا نخواهد داشت؛ به این بیان، هر چند رو به قبله ایستادن و پشت به قبر مطهر کردن که با بی‌احترامی ملازمه دارد، حرام است، اما پشت به قبر کردن که واجب نیست، تا شما بگویید با حرمت جمع نشود و اجتماع امر و نهی لازم آید، بلکه آنچه واجب است، رو به قبله بودن است؛ به عبارت بهتر، عنوان واجب و حرام دو چیز است: رو به قبله بودن واجب، و پشت به قبر بودن حرام است. پس نمی‌توان با تمسک به امتناع اجتماع امر و نهی، بطلان وضعی نماز، پشت به قبور مطهر معصومین علیهم السلام را اثبات کرد، (محقق داماد، ۱۴۰۱ق، ج ۳، ص ۱۵) بنابراین دلیلی برای اثبات بطلان نماز، پشت به قبور مطهر معصومین علیهم السلام، وجود ندارد و نماز در این وضعیت صحیح است؛ هر چند نماز گزار، با این نماز، مرتکب حرمت تکلیفی شده باشد.

## ۲. حکم تساوی با قبر معصوم علیهم السلام در نماز

مقصود از تساوی با قبر این است که شخص در یکی از طرفین قبر بایستد و جلوتر از قبر هم نباشد.

### الف) بحث تکلیفی (حرمت)

#### اقوال فقها

واضح است که تمامی فقهای که در مورد تقدم بر قبور مطهر معصومین علیهم السلام، قائل به عدم حرمت بودند، به طریق اولی در بحث تساوی با قبر، نظریه عدم حرمت را برمی‌گزینند و حتی بسیاری از کسانی که قائل به حرمت نماز، در حال تقدم، بودند، نمازی که در محاذات با قبر باشد را حرام نمی‌دانند. (شیخ بهایی، ۱۳۹۰ق، ص ۱۵۹؛



محقق بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۷، ص ۲۲۱) شاید بتوان یکی از فقهایی را که به جواز نماز در این مسئله تصریح کرده، شیخ صدوق دانست. (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۶۰۲) علامه حلی، (همو، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۳۱۸) شیخ بهایی، (همو، ۱۳۹۰ق، ص ۱۵۹) محقق بحرانی، (همو، ۱۴۰۵ق، ج ۷، ص ۲۲۱) صاحب جواهر، (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۸، ص ۳۶۳) محقق همدانی، (همو، ۱۴۱۶ق، ج ۱۱، ص ۱۳۷) و مشهور مراجع معاصر (امام خمینی، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۴۹۴) نیز از دیگر فقهایی هستند که به نظریه عدم حرمت تصریح کرده‌اند.

بنابراین در این مسئله، مشهور قریب به اجماع فقها، نظریه عدم حرمت را پذیرفته‌اند. (محقق بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۷، ص ۲۲۲) بله، محقق بحرانی، از برخی معاصرین خود، قول به حرمت را نقل کرده (محقق بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۷، ص ۲۲۲) و محقق داماد نیز، محاذات با قبر را جایز و محاذات با جسد شریف امام علیه السلام را حرام دانسته است. (محقق داماد، ۱۴۰۱ق، ج ۳، ص ۱۵) که شاید بتوان کلام ایشان را نیز به کلام مشهور برگرداند. برخی (گلپایگانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۱۳۷؛ صافی، ۱۴۱۵ق، ص ۱۸۴) نیز این عمل را خلاف احتیاط دانسته‌اند.

## ادله فقها

### ادله نظریه عدم حرمت

یک - صحیح حمیری

در این روایت، امام علیه السلام از نماز در حال تقدم منع کرده و نماز در طرفین قبر را جایز دانسته است. بنابراین این روایت، در جواز نماز در طرفین قبر و در حال تساوی با قبر معصوم علیه السلام، ظهور تام دارد. (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۸، ص ۳۶۳؛ محقق همدانی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۱، ص ۱۳۷)

دو- موثقه ابن فضال

عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَالٍ قَالَ: رَأَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ علیه السلام وَهُوَ يُرِيدُ أَنْ يُودَعَ لِلْخُرُوجِ إِلَى

الْعُمْرَةَ فَأَتَى الْقَبْرَ مِنْ مَوْضِعِ رَأْسِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ بَعْدَ الْمَغْرَبِ فَسَلَّمَ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ وَلَزِقَ بِالْقَبْرِ ثُمَّ أَتَى الْمِنْبَرَ ثُمَّ أَنْصَرَفَ حَتَّى أَتَى الْقَبْرَ فَقَامَ إِلَى جَانِبِهِ فَصَلَّى وَالزَّقَ مِنْهُ الْأَيْسَرَ بِالْقَبْرِ قَرِيبًا مِنَ الْأُسْطُوَانَةِ الَّتِي دُونَ الْأُسْطُوَانَةِ الْمُحَلَّقَةِ الْمُحَلَّقَةِ عِنْدَ رَأْسِ النَّبِيِّ ﷺ فَصَلَّى. ۵ (ابن قولویه، ۱۳۹۸ق، ص ۲۷؛ شیخ صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۲، ص ۱۷؛ حرعاملی،

۱۴۰۹ق، ج ۱۴، ص ۳۵۹)

این روایت، که بیانگر فعل معصوم علیه السلام است، به صراحت، جواز نماز در محاذات قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله را اثبات می کند. (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۸، ص ۳۶۴).

سه - روایت ابن ناجیه

عَنْ جَعْفَرِ بْنِ نَاجِيَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: صَلَّى عِنْدَ رَأْسِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام؛<sup>۶</sup>  
(ابن قولویه، ۱۳۹۸ق، ص ۲۴۵؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۴، ص ۵۱۹)

هرچند این روایت به خاطر جهالت حال جعفر بن ناجیه سند تامی ندارد، ولی این مضمون، در روایات متعددی که در حد استفاضه هستند، (ابن قولویه، ۱۳۹۸ق، ص ۲۱۴؛ علامه مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۹۸، ص ۲۰۰ و ۲۲۵ و ۲۲۷ و ۳۶۳) تأکید شده است. در این روایات، نماز بالای سر معصومین علیهم السلام، به ویژه بالای سر امام حسین علیه السلام، سفارش شده است که لازمه آن، جواز و عدم حرمت نماز در محاذات قبر شریف است. (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۸، ص ۳۶۵؛ محقق همدانی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۱، ص ۱۳۷).

### ادله نظریه حرمت

یک - توقیع حمیری به نقل طبرسی

... وَلَا يُجُوزُ أَنْ يُصَلِّيَ بَيْنَ يَدَيْهِ وَلَا عَنْ يَمِينِهِ وَلَا عَنْ يَسَارِهِ لِأَنَّ الْإِمَامَ لَا يُتَقَدَّمُ وَلَا

يُسَاوِي. <sup>۷</sup> (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۴۹۰؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۱۶۱)

طبق این نقل، امام علیه السلام نماز در طرفین قبر معصوم علیه السلام را همانند نمازی که در حال تقدم بر قبر اقامه شود، جایز ندانسته است؛ زیرا عبارت «لایجوز» نص در حرمت

است. البته همان‌طور که قبلاً هم گفتیم، این نقل مرسل است و حجیتی ندارد و نمی‌تواند در مقابل روایت صحیح‌السند و تام‌الدلالة حمیری، که شیخ طوسی آن را در تهذیب نقل کرده، بایستد و مدعایی را اثبات کند.

دو - صحیح اول ابی‌الیسع

عَنْ أَبِي الْيَسَعِ قَالَ: سَأَلَ رَجُلٌ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَنَا أَسْمَعُ قَالَ إِذَا أَتَيْتُ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَجْعَلُهُ قِبْلَةً إِذَا صَلَّيْتُ قَالَ تَنَحَّ هَكَذَا نَاحِيَةً.<sup>۸</sup> (ابن قولویه، ۱۳۹۸ق، ص ۲۴۵؛ حرعاملی،

۱۴۰۹ق، ج ۱۴، ص ۵۱۹)

سه - صحیح دوم ابی‌الیسع

عَنْ أَبِي الْيَسَعِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ رَجُلًا سَأَلَهُ عَنِ الصَّلَاةِ إِذَا أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ أَجْعَلُهُ قِبْلَةً إِذَا صَلَّيْتُ وَ تَنَحَّ هَكَذَا نَاحِيَةً.<sup>۹</sup> (ابن قولویه، ۱۳۹۸ق، ص ۲۴۶؛ حرعاملی،

۱۴۰۹ق، ج ۱۴، ص ۵۲۰)

در این دو روایت صحیح‌السند، (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۲۹۶، رقم ۸۰۲) که بعید نیست یک روایت بیشتر نباشد، کیفیت ایستادن در کنار قبر مطهر امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ و کیفیت نماز خواندن مطرح شده است. این دو روایت، ظهور در تعیین دارند و کیفیت‌های دیگر و قوف را، از تقدم و تساوی، ممنوع می‌کنند. مقصود از «تنح هکذا ناحیه» این است که وقتی هم زائر پشت سر قبر امام عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌ایستد، برای آنکه توهم نشود که قبر قبله واقع شده و دستاویزی برای دشمنان نشود، کمی به چپ یا راست تمایل پیدا کند. (محقق داماد، ۱۴۰۱ق، ج ۳، ص ۱۲)

البته روشن است که استفاده تعیین‌الزامی کیفیت نماز از این دو روایت امکان‌پذیر نیست؛ زیرا اولاً تأکید امام عَلَيْهِ السَّلَامُ بر فقره «تنح...» برای جلوگیری از سوء استفاده دشمنان بوده است؛ ثانیاً ادله‌ای که برای اثبات عدم حرمت مطرح شد، محاذات با قبر در نماز را جایز دانسته است.

صحیح حمیری، به صراحت نماز در محاذات قبر شریف امام علیه السلام را جایز می‌داند و موثقه ابن فضال، به صراحت جواز نماز در محاذات قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله را اثبات می‌کند. بنابراین روایات ابی‌الیسع، بیان کیفیت مستحب در نماز در حرم معصومین علیهم السلام است و نمی‌توان از آن تعیین الزامی کیفیت را برداشت کرد.

اگر هم کسی بگوید نهایت چیزی که این روایات ثابت می‌کنند این است که نماز در محاذات قبور معصومین علیهم السلام حرام نیست، به نظر ما ملاک قبر نیست، بلکه جسد شریف معصوم علیه السلام ملاک و مبناست. تساوی با قبر اعم از تساوی با جسد است. صحیح حمیری مطلق است و محاذات و طرفین قبر لزوماً به تساوی با جسد اختصاص ندارد. با عقب‌تر ایستادن از جسد مبارک امام علیه السلام و در محاذات قبر ایستادن نیز امکان‌پذیر است و با توجه به تعیین کیفیت در این دو روایت صحیح، این اطلاق تقیید می‌خورد. در موثقه ابن فضال نیز می‌توان ادعا کرد که روایت در تأخر امام علیه السلام از جسد شریف ظهور دارد؛ زیرا حضرت شانه چپ خود را به ستون کنار استوانه مخلقه چسبانده، که این ستون از محل سر حضرت عقب‌تر است؛ هرچند در محاذات قبر شریف است. بنابراین عمل معصوم علیه السلام هیچ صراحتی در عمل خارجی نماز، در محاذات با جسد رسول خدا صلی الله علیه و آله ندارد. (محقق داماد، ۱۴۰۱ق، ج ۳، ص ۱۳ و ۱۴)

در پاسخ می‌گوییم: اولاً با توجه به اینکه در بیشتر حرم‌های معصومین علیهم السلام، قبر اصلی در سرداب واقع شده و در برخی از موارد نیز ضریح بالا، به طور دقیق، روی قبر اصلی نیست، نمی‌توان جسد مطهر را ملاک دانست. علاوه بر این، عرف نیز قبر را ملاک می‌داند؛ نه جسد را. پس مشخص می‌شود ملاک در محاذات، محاذات با قبر است، نه جسد. بنابراین نمی‌توان از صریح جواز محاذات دست برداشت یا اطلاق آن را تقیید زد.

ثانیاً اینکه روایات ابی‌الیسع در مقام تعیین الزامی کیفیت باشند نیز اول کلام

است. با توجه به ادله‌ای که صریح در جواز بود، به نظر می‌رسد امام علیه السلام در این دو روایت، در مقام بیان آداب زیارت است، نه اینکه کیفیت‌های دیگر در وقوف نزد قبور معصومین علیهم السلام را نفی کند.

### نتیجه

با توجه به بررسی ادله طرفین و اشکالات سندی یا دلالتی نظریه حرمت نماز در حال تساوی با قبر شریف معصوم علیه السلام، مشخص می‌شود محاذات با قبور معصومین علیهم السلام در نماز حرمتی ندارد.

## ب) بحث وضعی (بطالان)

### اقوال فقها

هرچند صاحب عروه، ضمن شمارش شرایط مکان نمازگزار که در بیان حکم وضعی بطلان ظهور دارد، (محقق داماد، ۱۴۰۱ق، ج ۳، ص ۳) حکم تساوی با قبر معصوم علیه السلام را همان حکم تقدم می‌داند، (سید یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۳۸۴) ولی بیشتر محشین بر عروه، در این مسئله، بر ایشان اشکال کرده و نظریه وی را نپذیرفته‌اند (سید یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۳۸۴) بنابراین غیر از مرحوم صاحب عروه، که وی نیز نظرش را بنابر احتیاط مطرح کرده، هیچ فقیهی، چه قبل از عروه و چه بعد از آن، یافت نشد که قائل به بطلان نماز در حال تساوی با قبر باشد. البته کسانی که در بحث پیشین، از باب تلازم حکم تکلیفی و وضعی یا اجتماع امر و نهی، حکم تکلیفی را به حکم وضعی سرایت دادند، می‌توانند این مباحث را در اینجا نیز مطرح کنند. پس در مورد عدم بطلان نماز در حال تساوی، می‌توان ادعای لاخلاف کرد.

### ادله فقها

به نظر می‌رسد برخی، از همان ادله‌ای که برای حرمت تکلیفی نماز گذشت و اشکالات آن بیان گردید، به عنوان ادله نظریه حرمت مطرح کرده باشند. با توجه به

مطالبی که در بحث وضعی تقدم بر قبر گذشت و گفتیم ملازمه‌ای بین حکم تکلیفی و حکم وضعی وجود ندارد و همچنین ایراداتی که بر ادله حرمت تکلیفی تساوی مطرح گردید، مشخص می‌شود حرمت وضعی نماز و بطلان آن در حالت تساوی و محاذات با قبور مطهر معصومین علیهم السلام قابل اثبات نیست.

### ۳. حکم تأخر از قبر معصوم علیهم السلام در نماز (قبله قرار دادن آن)

مقصود از تأخر از قبر این است که زائر، برای اقامه نماز، به گونه‌ای بایستد که قبر شریف در جهت قبله او باشد و هیچ مانع و حائلی بین او و قبر نباشد.

#### الف) بحث تکلیفی (حرمت)

##### اقوال فقها

فقه‌های بزرگواری همچون شیخ صدوق، (همو، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۱۷۸) شیخ مفید (همو، ۱۴۱۳ق، ص ۱۵۱) و سلار (همو، ۱۴۰۴ق، ص ۶۵) علیهم السلام قبله قرار دادن قبر را مطلقاً حرام دانسته‌اند. این اطلاق شامل قبور مطهر معصومین علیهم السلام نیز می‌شود. شیخ طوسی نیز در تهذیب، پس از نقل قول استاد خود، شیخ مفید، روایاتی برای اثبات مدعای ایشان نقل کرده و آن را رد نکرده است؛ (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۲۷ و ۲۲۸) اما این مطلب، آن گونه که برخی تصور کرده‌اند، (اشتهاردی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۳، ص ۴۷۶) دلیل نمی‌شود که شیخ را نیز جزو قائلین به این نظریه بدانیم؛ زیرا کتاب تهذیب، شرح مقنعه است و شیخ در مقام مستندسازی برای نظریات استاد خویش، و رفع تعارضات بین روایات است و در مقام افتاء نیست؛ از سوی دیگر، ایشان در کتاب‌های دیگر خود (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق (الخلاف)، ج ۱، ص ۴۹۶ و ۴۹۷؛ همو، ۱۴۰۰ق، ص ۹۹) به جواز تصریح کرده است.

از فرمایشات محقق در معتبر نیز استفاده می‌شود که وی نیز با شیخ مفید هم عقیده است (محقق حلی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۱۵) در مقابل، مشهور فقها (علامه حلی،

۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۳۱۶؛ شهید اول، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۸۸؛ محقق کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۱۳۴؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۸، ص ۳۵۴) قائل به کراهت نماز رو به قبور شده (محقق بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۷، ص ۲۲۴) و برخی نیز در مورد قبور معصومین علیهم السلام کراهت را هم نمی‌پذیرند. (اراکي، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۳۷۶).

### ادله فقها

#### ادله نظریه حرمت

یک - صحیح زراره

عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ الصَّلَاةُ بَيْنَ الْقُبُورِ قَالَ صَلَّى فِي خِلَالِهَا وَلَا تَتَّخِذْ شَيْئًا مِنْهَا قِبْلَةً فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله نَهَى عَنْ ذَلِكَ وَقَالَ وَلَا تَتَّخِذُوا قَبْرِي قِبْلَةً وَلَا مَسْجِدًا فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَعَنَ الَّذِينَ اتَّخَذُوا قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ مَسَاجِدَ.<sup>۱۱</sup> (شيخ صدوق، ۱۳۸۵ش، ج ۲، ص ۳۵۸)

این روایت، به طور مرسل در کتاب «من لا یحضره الفقیه» نیز نقل شده است: «قَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله لَا تَتَّخِذُوا قَبْرِي قِبْلَةً وَلَا مَسْجِدًا فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَعَنَ الْيَهُودَ حِينَ اتَّخَذُوا قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ مَسَاجِدَ».<sup>۱۲</sup> (شيخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۱۷۸؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۱۶۱).

این صحیح، نماز بین قبور را جایز دانسته، ولی نماز رو به قبر را، به نحوی که قبر در قبله شخص قرار گیرد، ممنوع دانسته شده است. این روایات در مورد همه قبرهاست و اطلاقش شامل قبور معصومین علیهم السلام هم می‌شود؛ علاوه بر اینکه امام علیه السلام به روایت نبوی استناد کرده که دیگر در شمول روایت نسبت به قبور معصومین علیهم السلام تردیدی باقی نمی‌ماند.

هرچند برخی در پاسخ به این روایت، خصوصیت داشتن قبر رسول خدا صلى الله عليه وآله را محتمل دانسته‌اند و احتمال داده‌اند در مورد سایر معصومین علیهم السلام چنین حکمی وجود

نداشته باشد. (محقق بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۷، ص ۲۲۵) اما ظاهراً این تفصیل، ادعای بی دلیل است؛ به ویژه اینکه بحث غلو و امثال آن در مورد امیرالمؤمنین علی علیه السلام بیشتر با این مطلب سازگار است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۸، ص ۳۶۶).

در پاسخ باید بگوییم: اولاً در این روایات دو احتمال وجود دارد: مقابل قبر نماز نخوانید یا قبر را به جای کعبه قبله قرار ندهید. با توجه به اینکه مسلمانان، تازه از تفکر بت پرستی نجات یافته بودند، روایات از قبله قرار دادن قبور، همچون خواندن نماز روبه روی تصویر، آتش، مجسمه و... نهی فرموده اند؛ ثانیاً احتمال تقیه ای بودن این روایت، از قوت بالایی برخوردار است؛ (محقق بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۷، ص ۲۲۵) زیرا روایاتی با این مضمون توسط روات اهل سنت نقل شده است. (نیشابوری، بی تا، ج ۱، ص ۳۷۵-۳۷۷)

دو - موثقه معمر بن خلاد

عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَادٍ عَنِ الرَّضَا عليه السلام قَالَ: لَا بَأْسَ بِالصَّلَاةِ بَيْنَ الْمَقَابِرِ مَا لَمْ يَتَّخِذِ الْقَبْرَ قِبْلَةً. ۱۳ (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۲۸؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۱۵۹)

وقتی امام علیه السلام، جواز نماز در قبرستان را مقید به قبله قرار ندادن قبور می کند، از مفهوم آن استفاده می شود که نماز رو به قبور جایز نیست مطلقاً؛ هر چند قبور معصومین علیهم السلام باشد. البته واضح است که در این روایت، امام علیه السلام از نمازی که رو به قبر نباشد، نفی بآس کرده است. پس نمازی که رو به قبر باشد، «فیه بآس» است؛ یعنی اشکال دارد. بآس داشتن مساوی با حرمت نیست و با کراهت نیز سازگار است. (شهید اول، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۸۸)

سه - موثقه عمار

عَنْ عَمَّارِ السَّابَّاطِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي حَدِيثٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يُصَلِّي بَيْنَ الْقُبُورِ قَالَ لَا يَجُوزُ ذَلِكَ إِلَّا أَنْ يَجْعَلَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْقُبُورِ إِذَا صَلَّى عَشْرَةَ أَذْرُعٍ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَعَشْرَةَ أَذْرُعٍ مِنْ خَلْفِهِ وَعَشْرَةَ أَذْرُعٍ عَنْ يَمِينِهِ وَعَشْرَةَ أَذْرُعٍ عَنْ يَسَارِهِ ثُمَّ يُصَلِّي إِنْ شَاءَ. ۱۴



(کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۳۹۰؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۲۸؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۱۵۹)

در این روایت، با عبارت «لایجوز» که نص در حرمت است، نماز بدون فاصله مذکور در روایت بین قبور جایز دانسته نشده و جواز آن، به ایجاد فاصله از چهار سمت منوط شده است. پس نماز رو به همه قبور، از جمله قبور معصومین علیهم السلام، جایز نیست. اما مشکل این است که اطلاق این روایت، مورد اعراض اصحاب است؛ زیرا هیچ یک از فقهای امامیه، نماز میان قبور را حرام ندانسته است و با توجه به روایات قبل و ادله دیگر، تردیدی در جواز نماز در بین قبرها وجود ندارد و در روایات قبل نیز تنها مشکل، رو به قبر بودن نمازگزار بود. پس قطعاً روایت بر حرمت دلالت نداشته، و مقصود کراهت است.

#### چهار - دو صحیحہ ابی الیسع

این دو روایت صحیح، که پیش تر مطرح شد، ایستادن و نماز خواندن رو به قبر را، به شرط آنکه نمازگزار کمی به چپ یا راست تمایل پیدا کند، جایز دانسته است. بنابراین در کنار قبور معصومین علیهم السلام نباید کاملاً رو به قبر نماز خواند. البته روشن است که اتفاقاً این دو روایت، به ویژه روایت دوم، از ادله عدم حرمت به شمار می آیند؛ زیرا در روایت دوم، امام به صراحت می فرماید: «اجْعَلْهُ قِبْلَةً إِذَا صَلَّيْتَ»؛ «قبر را قبله خودت قرار بده». بله برای رفع توهم «وَتَنَحَّ هَكَذَا نَاحِيَةً»؛ «کمی تمایل به چپ یا راست پیدا کن» تا بهانه به دست دشمن ندهی، که ظهور در استحباب دارد.

#### ادله نظریه عدم حرمت

##### یک - صحیح حمیری

این روایت صحیح السنند، به صراحت، نماز رو به قبر معصومین علیهم السلام را جایز می داند؛ زیرا امام علیه السلام دستور می دهد که نمازگزار، قبر معصوم علیه السلام را روبروی خود قرار دهد.

دو - روایت ابو حمزه ثمالی

عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثَّمَالِيِّ قَالَ قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام وَإِنْ شِئْتَ صَلَّيْتَ خَلْفَ الْقَبْرِ وَعِنْدَ رَأْسِهِ أَفْضَلُ. ۱۵ (ابن قولویه، ۱۳۹۸ق، ص ۲۴۰)

در این روایت، امام علیه السلام به صراحت، نماز پشت قبر معصوم علیه السلام را جایز می‌داند؛ هر چند اقامه نماز در بالای سر را افضل می‌داند.

### نتیجه

- اولاً با توجه به اشکالاتی که بر ادله حرمت مطرح شد و با توجه به صراحت ادله عدم حرمت، دست از ظهور ادله حرمت می‌کشیم؛

- ثانیاً بیشتر روایاتی که بر حرمت یا کراهت نماز در مقابر دلالت دارند، از مورد حرم معصومین علیهم السلام انصراف دارند (محقق سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۲۳۰).

ثالثاً این روایات تنها موردی را شامل می‌شوند که قبر امام علیه السلام، مانند کعبه و به عنوان قبله مورد سجده قرار گیرد؛ چرا که در این روایات، آنچه مورد نهی قرار گرفته، این است که قبر را به عنوان قبله خود اتخاذ و انتخاب نکنید و قطعاً رو به چیزی ایستادن، ملازم با معنای اتخاذ آن به عنوان قبله نیست. پس این روایات در مقام ردع از این است که نمازگزار، بدون توجه به قبله، رو به قبر باشد، که لعن قوم یهود نیز به خاطر این عمل و همچنین سجده بر قبر که در ذیل روایت آمده (وَلَا مَسْجِدًا) با این برداشت سازگارتر است. (محقق بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۷، ص ۲۲۵؛ اراکی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۳۷۵؛ اشتهازدی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۳، ص ۴۷۵)

- رابعاً در میان ادله حرمت، غیر از روایت اول، همه روایات، با اطلاقشان، شامل نماز کنار قبور معصومین علیهم السلام می‌شوند که با توجه به ادله عدم حرمت، این اطلاق تقیید می‌خورد. روایت اول نیز بعید نیست تقیه‌ای باشد یا در راستای نهی از اتخاذ قبر به عنوان قبله باشد. بنابراین نماز رو به قبر معصومین علیهم السلام حرمت ندارد و ادله

منع، نهایتاً بر کراهت نماز رو به قبور افراد معمولی دلالت دارد. بلکه استحباب نماز پشت قبر معصومین علیهم السلام، از برخی روایاتی که مطرح شد، قابل برداشت است. پس این روایات، هیچ ارتباطی به نمازی که در کنار قبور معصومین علیهم السلام، رو به کعبه و برای تقرب به خداوند متعال اقامه می‌شود و قبر مطهر نیز در جهت قبله نمازگزار قرار می‌گیرد، ندارد. البته با توجه به دو صحیح ابی‌الیسع، بهتر است نمازگزار سمت چپ یا راست قبر قرار گیرد، تا توهم غلو و پرستش قبر پیش نیاید و به هر حال، طبق روایت ابوحمزه ثمالی، اقامه نماز، بالای سر، افضل است.

### ب) بحث تکلیفی حرمت

در بحث وضعی نماز رو به قبور معصومین علیهم السلام نیز تمام مباحثی که در مباحث وضعی قبلی گذشت، می‌آید و اگر هم بر فرض، حرمت تکلیفی این نماز ثابت شود، بطلان این نماز قابل اثبات نیست.

### نتیجه نهایی

در این مقاله حکم نماز در اطراف ضریح مقدس معصومین علیهم السلام بررسی شد و پس از بررسی اقوال فقها و ادله ایشان، روشن شد که حکم تکلیفی نماز، پشت به قبور معصومین علیهم السلام فی‌الجمله حرمت است. ولی حکم وضعی آن، صحت و عدم بطلان است و حکم تکلیفی و وضعی نماز، در طرفین و رو به قبور معصومین علیهم السلام، جواز و عدم بطلان است؛ هرچند بهتر است با توجه به روایات، نمازگزار رو به قبر نایستد. بلکه سمت راست یا چپ آن قرار گیرد، تا توهم غلو و پرستش قبر پیش نیاید. به هر حال اقامه نماز، بالای سر، افضل است. والله العالم.

## پی‌نوشت‌ها

۱. حمیری می‌گوید: به فقیه نامه نوشتم و از وی پرسیدم: «کسی که به زیارت قبور ائمه علیهم السلام می‌رود، آیا جایز است بر قبر سجده کند یا نه و کسی که کنار قبر آنان نماز می‌خواند، آیا می‌تواند پشت قبر بایستد و قبر را [در جهت] قبله خود قرار دهد و آیا می‌تواند بالای سر و پایین پا بایستد و آیا جایز است بر قبر مقدم شود و نماز بخواند و قبر را پشت سر خود قرار دهد یا نه؟» حضرت پاسخ را چنین مرقوم فرمودند: «[من توفیق را خواندم و از روی آن استنساخ کردم]: سجده بر قبر در هیچ نمازی، اعم از نماز مستحبی، نماز واجب و نماز زیارت جایز نیست، بلکه گونه راست خود را بر قبر قرار دهد. نماز هم پشت آن (قبر) خوانده شود و آن را روبه‌روی خود قرار دهد و جایز نیست مقابل قبر نماز بخواند؛ زیرا بر امام نباید مقدم شد و سمت راست یا چپ او نماز خوانده می‌شود».
۲. در نامه دیگر حمیری به امام زمان علیه السلام آمده .... و در نامه‌ای که در سال ۳۰۸ به حضرت نوشته و از ایشان سؤالات دیگری پرسیده .... و آیا جایز است بر قبر مقدم شود و نماز بخواند و قبر را پشت سر خود قرار دهد یا نه؟ حضرت پاسخ دادند: «نماز پشت آن (قبر) خوانده شود و قبر را روبه‌روی خود قرار دهد و جایز نیست در سمت راست یا چپ قبر نماز بخواند؛ زیرا نباید بر امام مقدم شد و نه مساوی او بود».
۳. توجه به این نکته ضروری است که اگر این احتمال صحیح باشد، دیگر روایت نمی‌تواند مستند حرمت تکلیفی تقدم باشد؛ زیرا تقدم بر امام جماعت، تنها حکم وضعی بطلان دارد و حرام تکلیفی نیست.
۴. ممکن است تصور شود عدم طرح یک مسئله، نمی‌تواند دلیل بر شرط ندانستن آن باشد؛ چراکه مباحث مطرح شده، در بیشتر کتب قدما، به نحو مختصر بوده و بسیاری از مسائل، در این کتب، اصلاً عنوان نشده است. اما واضح است که وقتی این مسئله، در کتب متعدد فقهی، که در مقام بیان شرایط مکان نماز گزار بوده‌اند، مطرح نشده، کاشف از این است که آن را از شرایط نمی‌دانستند.
۵. از حسن بن علی بن فضال روایت شده: «امام کاظم علیه السلام را دیدم که قصد عمره داشت و برای وداع به بالین قبر جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده بود. پس از نماز مغرب، بالای سر حضرت آمد و بر رسول خدا صلی الله علیه و آله سلام کرد و خود را به قبر چسبانید. سپس نزدیک منبر آمد و آن‌گاه برگشت و کنار قبر آمد و کنار آن ایستاد و مشغول نماز شد و شانه چپ خود را به قبر، نزدیک به ستونی که بعد از ستون مخلقه در بالای سر حضرت است، چسبانید و نماز خواند».
۶. جعفر بن ناجیه از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند: «بالای سر قبر امام حسین علیه السلام نماز بخوان».

۷. ... و جایز نیست در سمت راست یا چپ قبر نماز بخواند؛ زیرا نباید بر امام مقدم شد و نه مساوی او بود.

۸. ابی الیسع (عیسی بن سری) نقل می‌کند: شخصی از امام صادق علیه السلام سؤال کرد که من هم شنیدم. پرسید: «آیا وقتی به زیارت قبر امام حسین علیه السلام می‌روم، آن را قبله خودم قرار دهم؟» حضرت فرمود: «کمی فاصله بگیر و دور شو [و در سمت چپ یا راست قرار بگیر].»

۹. ابی الیسع (عیسی بن سری) نقل می‌کند: شخصی از امام صادق علیه السلام در مورد نماز کنار قبر امام حسین علیه السلام پرسید. حضرت فرمود: «وقتی نماز می‌خوانی آن را قبله قرار بده، کمی فاصله بگیر و دور شو [و در سمت چپ یا راست قرار بگیر].»

۱۰. البته شیخ صدوق تنها روایت مرسلی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که معلوم نیست از آن استفاده حرمت کرده باشد. به همین خاطر نمی‌توان به قطع و یقین، این نظریه را به ایشان نسبت داد.

۱۱. زراره می‌گوید: محضر مبارک امام باقر علیه السلام عرض کردم: «آیا بین قبور می‌توان نماز خواند؟» حضرت فرمود: «قبور را در دو طرف خود قرار بده و هیچ قبری را در نماز قبله خود مکن؛ زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله از آن نهی نموده و فرمودند: قبر مرا قبله و مسجد (محل سجده) خود قرار ندهید؛ زیرا خداوند متعال کسانی

را که قبور انبیایشان را مساجد خود نموده‌اند [یا بر آن سجده کرده‌اند] لعن فرموده است.»

۱۲. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «قبر مرا قبله و مسجد (محل سجده) خود قرار ندهید؛ زیرا خداوند متعال یهود را، که قبور انبیایشان را مساجد خود نموده‌اند [یا بر آن سجده کرده‌اند]، لعن فرموده است.»

۱۳. معمر بن خلاد از امام رضا علیه السلام روایت می‌کند: «نماز بین قبرها اشکالی ندارد، تا وقتی که شخص قبر را قبله خود قرار ندهد.»

۱۴. در روایتی عمار بن موسای ساباطی، از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند: از حضرت در مورد کسی که بین قبرها نماز بخواند، سؤال کردم، ایشان فرمود: «این کار جایز نیست؛ مگر آنکه بین خود و قبر از چهار طرف (روبه‌رو و پشت و سمت راست و سمت چپ) ده ذراع فاصله بیندازد و سپس اگر خواست، نماز بخواند.»

۱۵. ابو حمزه ثمالی از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: «اگر خواستی، پشت قبر نماز را بخوان و در بالای سر افضل است.»

### فهرست منابع

✽ قرآن کریم

۱. آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین (۱۴۰۹ق.)، **کفایة الاصول**، قم، مؤسسه آل البيت.
۲. ابن بابویه قمی (شیخ صدوق.)، محمد بن علی (۱۳۷۶ش.)، **الأمالی**، تهران، کتابچی.
۳. \_\_\_\_\_ (۱۳۶۲ش.)، **الخصال**، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۵ش.)، **علل الشرائع**، قم، کتابفروشی داوری.
۵. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۸ق.)، **عیون أخبار الرضا**، تهران، نشر جهان، چاپ اول.
۶. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۳ق.)، **کتاب من لایحضره الفقیه**، بی جا، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم.
۷. ابن قولویه، ابوالقاسم جعفر بن محمد (۱۳۹۸ق.)، **کامل الزیارات**، نجف اشرف، دارالمرتضویة.
۸. اراکی، محمد علی (۱۳۶۹ش.)، **رساله توضیح المسائل**، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۹. \_\_\_\_\_ (۱۴۲۱ق.)، **کتاب الصلاة**، اول، قم، دفتر معظم له.
۱۰. اشتهازدی، علی پناه (۱۴۱۷ق.)، **مدارک العروة**، تهران، دارالأسوة للطباعة والنشر.
۱۱. انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۴۱۹ق.)، **فرائد الاصول**، قم، بی نا.
۱۲. بهجت، محمد تقی (۱۴۲۸ق.)، **رساله توضیح المسائل**، قم، انتشارات شفق، چاپ ۹۲.
۱۳. تبریزی، جواد بن علی (۱۴۲۶ق.)، **منهاج الصالحین**، قم، مجمع الإمام المهدی.
۱۴. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق.)، **وسائل الشیعة**، قم، مؤسسه آل البيت.
۱۵. حسینی سیستانی، سید علی (بی تا)، **رساله توضیح المسائل**، بی جا، بی نا، چاپ ۲۸.
۱۶. خمینی، روح الله (بی تا)، **تحریر الوسیلة**، قم، مؤسسه مطبوعات دارالعلم.
۱۷. \_\_\_\_\_ (۱۴۲۶ق.)، **توضیح المسائل**، بی جا، بی نا.
۱۸. \_\_\_\_\_ (۱۴۲۴ق.)، **توضیح المسائل محشی**، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ هشتم.
۱۹. خوبی، سید ابوالقاسم (بی تا)، **رساله توضیح المسائل**، تهران، انتشارات ایران، چاپ هشتم.

۲۰. دیلمی سلار، حمزة بن عبد العزيز (۱۴۰۴ق.)، المراسم العلوية والأحكام النبوية في الفقه الإمامي، قم، منشورات الحرمين.
۲۱. روحانی، سید صادق (۱۴۱۲ق.)، فقه الصادق، قم، دارالکتاب مدرسه امام صادق.
۲۲. شبیری زنجانی، سید موسی (۱۴۳۰ق.)، رساله توضیح المسائل، قم، انتشارات سلسبیل.
۲۳. شیخ بهایی، عاملی، بهاء الدین، محمد بن حسین (۱۳۹۰ق.)، الحبل المتین فی أحكام الدین، قم، کتابفروشی بصیرتی.
۲۴. شیخ طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۳۹۰ق.)، الإستبصار فیما اختلف من الأخبار، تهران، دارالکتب الإسلامية.
۲۵. (۱۴۱۴ق.)، الأمالی، قم، دارالثقافة.
۲۶. (۱۴۰۷ق.)، تهذیب الأحكام، تهران، دارالکتب الإسلامية.
۲۷. (۱۴۰۷ق.)، الخلاف، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۸. (بی تا)، الفهرست، نجف اشرف، المكتبة الرضویة.
۲۹. (۱۴۰۰ق.)، النهاية فی مجرد الفقه والفتاوی، بیروت، دارالکتاب العربی.
۳۰. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق.)، المقنعة، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
۳۱. صافی، لطف الله (۱۴۱۵ق.)، رساله توضیح المسائل، قم، دارالقرآن الکریم.
۳۲. طباطبایی حکیم، سید محسن (۱۴۱۰ق.)، منهج الصالحین محشی، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
۳۳. طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق.)، الإحتجاج علی أهل اللجاج، مشهد، نشر مرتضی.
۳۴. عاملی (شهید اول)، محمد بن مکی (۱۴۱۷ق.)، الدروس الشرعية فی فقه الإمامیة، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۳۵. (۱۴۱۹ق.)، ذکری الشیعة فی أحكام الشریعة، قم، مؤسسه آل البيت.
۳۶. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۱۲ق.)، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، مجمع البحوث الإسلامية، مشهد.

۳۷. علامه مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۱۰ق.)، بحار الانوار، بیروت، مؤسسة الطبع و النشر.
۳۸. \_\_\_\_\_ (۱۴۰۶ق.)، ملاذ الأخیار فی فهم تہذیب الأخبار، قم، انتشارات کتابخانہ آیت اللہ مرعشی نجفی.
۳۹. فاضل ہندی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ق.)، کشف اللثام والإبہام عن قواعد الأحکام، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابستہ بہ جامعہ مدرسین حوزہ علمیہ قم.
۴۰. قفاری، ناصر بن عبد اللہ (۱۴۱۸ق.)، اصول مذهب الشیعۃ الاثنی عشریۃ، بی جا، دارالرضا للنشر والتوزیع، چاپ سوم.
۴۱. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق.)، الکافی، تہران، دارالکتب الإسلامیہ.
۴۲. گلپایگانی، سید محمد رضا (۱۳۷۱ش.)، رسالہ توضیح المسائل، قم، دارالقرآن الکریم.
۴۳. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۳ق.)، ہدایۃ العباد، قم، دارالقرآن الکریم.
۴۴. محقق اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳ق.)، مجمع الفائدۃ والبرہان فی شرح إرشاد الأذہان، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابستہ بہ جامعہ مدرسین حوزہ علمیہ قم.
۴۵. محقق بحرانی، یوسف (۱۴۰۵ق.)، الحدائق الناضرۃ، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۴۶. محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۷ق.)، المعتبر فی شرح المختصر، قم، مؤسسہ سیدالشہدا.
۴۷. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۰ق.)، منہاج الصالحین، قم، نشر مدینۃ العلم، چاپ بیست و ہشتم.
۴۸. محقق داماد یزدی، سید محمد (۱۴۰۱ق.)، کتاب الحج، قم، چاپخانہ مہر.
۴۹. محقق سبزواری، سید عبدالاعلی (۱۴۱۳ق.)، مہذب الأحکام، قم، مؤسسۃ المنار، دفتر معظم لہ.
۵۰. محقق کرکی، علی بن حسین عاملی (۱۴۱۴ق.)، جامع المقاصد، قم، مؤسسۃ آل البیت.
۵۱. محقق ہمدانی، آقا رضا (۱۴۱۶ق.)، مصباح الفقیہ، قم، مؤسسۃ الجعفریۃ لإحیاء التراث ومؤسسۃ النشر الإسلامی.
۵۲. مشکور، محمد جواد (۱۳۷۲ش.)، فرہنگ فرق اسلامی، مشهد مقدس، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش های اسلامی.
۵۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۹ق.)، رسالہ توضیح المسائل، قم، انتشارات مدرسہ



ناصر، قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب.

۶۲. \_\_\_\_\_ (بی تا)،

العروة الوثقی مع تعلیقات الفاضل،

شارح: موحدی لنکرانی، محمد فاضل،

قم، مرکز فقهی ائمه اطهار.

امام علی بن ابی طالب، چاپ ۵۲.

۵۴. نائینی، محمدحسین (۱۳۷۶ق.)، فوائد

الاصول، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۵۵. نجاشی، احمد بن علی (۱۴۰۷ق.)، رجال

النجاشی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۵۶. نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق.)، جواهر

الکلام فی شرح شرایع الاسلام، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ هفتم.

۵۷. نوری همدانی، حسین (۱۳۷۷ش.)،

رساله توضیح المسائل، قم، مؤسسه مهدی موعود، چاپ دوازدهم.

۵۸. نیشابوری، مسلم بن حجاج (بی تا)،

صحیح مسلم، بیروت، داراحیاء التراث العربی.

۵۹. وحید، حسین (۱۴۲۸ق.)، توضیح

المسائل، قم، مدرسه امام باقر، چاپ نهم.

۶۰. یزدی، سیدمحمدکاظم (۱۴۱۹ق.)،

العروة الوثقی فیما تعم به البلوی

(المحشی)، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۶۱. \_\_\_\_\_ (۱۴۲۸ق.)،

العروة الوثقی مع التعلیقات، شارحان:

خمینی، سیدروح الله؛ خویی، سیدابوالقاسم؛

گلپایگانی، سیدمحمدرضا؛ مکارم شیرازی،